

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی ادله نصب الهی ولایت فقیه از منظر آیات و روایات شیعه

پدیدآورنده: الهام اصلان راجعونی^۱

۱. طلبه سطح دو حوزه علیمه حضرت معصومه، شهرستان رودبار

چکیده

این پژوهش با عنوان* بررسی ادله نصب الهی ولایت فقیه از منظر آیات و روایات شیعه* می باشد و به روش تحلیل محتوا و به شیوه کتابخانه ای صورت گرفته است و به تبیین و اثبات اصل ولایت فقیه می پردازد.

نظریه ولایت فقیه، مشروعیت و مقبولیت آن به عنوان یک اصل، از مفاهیم اصلی و اساسی درمباحث دین اسلام و جامعه اسلامی است که بر دو اصل ولایت و فقاہت استوار می باشد. ترکیب دو واژه ی ولایت و فقیه بر زمامداری فردی اطلاق می شود که با توجه به منابع اسلامی، احکام و قوانین اسلامی را استخراج می کند. با ادله هایی که در این تحقیق آورده ایم درمی یابیم که باید و بالضروره حکومتی تشکیل داد و از طرفی باید این حاکمیت از طرف امام معصوم(علیه السلام) جاری و ساری شود. بعد از اثبات این اصل، این سؤال مطرح می شود که در دوران غیبت که ما از نعمت حضور ظاهری امام معصوم(علیه السلام) محروم هستیم، حاکمیت چه کسانی را پذیرا باشیم؟ لذا هدف محقق با توجه به دلایل عقلی و نقلی، اثبات اصل ولایت فقیه است و با تبیین ادله ی امام خمینی(ره) که معتقد است ولایت فقیه از مسائل بدیهی است و نیازی به اثبات ندارد: "ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن ها موجب تصدیق می شود، و چندان به برهان احتیاج ندارد. به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلامی را، حتی اجمالاً، دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد آن را به تصور آورد، بی درنگ تصدیق خواهد کرد. برخی متکلمان شیعه مثل شیخ مفید و سید مرتضی و ارائه برهان اصل تدریجی و با توجه به دلایل نقلی مثل آیات و روایات و سپس ارائه ی برخی شرایط ولی فقیه در نظام اسلامی، تبیین اصلحیت و صدق گواهی ولایت فقیه می باشد. در نتیجه بنا بر ادله مذکور به این معنا رهنمون می شویم که باید به افرادی رجوع نماییم که سنخیت بیشتری به امام معصوم(علیه السلام) دارد.

واژگان کلیدی: ولایت، فقیه، مشروعیت، حاکمیت، مقبولیت، نصب الهی

مقدمه

اسلام ناب محمدی به عنوان کامل ترین و خالصترین دین توحیدی است که دیانت و سیاست، دو مؤلفه ی ذاتی و عینی آن است. در میان دستورات اصیل اسلام هیچ چیزی به مانند امامت و ولایت تأکید نشده است. درست است که همه ی اصول و فروع دین در اصل توحید فانی اند، لکن تا اصل امامت و ولایت ثابت نشود، نمی توانیم به توحید ناب دست پیدا کنیم. پس در دوران غیبت که از حضور ظاهری امام معصوم محروم هستیم باید به اصلی رهنمون شویم که اولاً کاشف از منویات امام معصوم (علیه السلام) باشد، ثانیاً باید بیشترین شباهت روحی، سلوکی و دینی را به امام معصوم (علیه السلام) نسبت به دیگران دارا باشد تا قوام دین که همان رسیدن به اهداف عالیه ی خلقت و عبودیت کامل و معرفت خالصانه و اطاعت محضیه ی خداوند متعال است محقق شده و بشریت، استعدادهای فطری متعالی خود را شکوفا نماید تا بلکه این ودیعت الهی در سرشت او به عینیت و فعلیت کامل رسیده و از این رهگذر انسان با رسیدن به کمال غایی به حظّ دنیوی و اخروی خود برسد.

یکی از موارد مهم و اساسی که همواره مورد نقد و احیاناً ردّ نحله های فکری و گروه های به ظاهر روشنفکر بوده، موضوع ادله و براهین اثبات ولای فقیه و سوال و اشکال از این براهین می باشد که نگارنده بر آن است تا با تکیه بر دو اصل عقل و نقل مهمترین و محکم ترین ادله و براهین عقلی و نقلی اثبات ولایت فقیه را ذکر کرده و مورد بحث قرار دهد.

از آنجا که ولایت فقیه شالوده اصلی نظام سیاسی اسلام است، لازم و ضروری است که همه متفکرین و اندیشمندان اسلامی جهت تقویت پایه های فکری اندیشه ولایت فقیه به تبیین و اثبات این اندیشه والا بپردازند؛ لذا محقق با درک ضرورت و اهمیت این مسأله به موضوع مهم (ادله اثبات ولایت فقیه) پرداخته تا با دلایل محکم و متقن عقلی و نقلی به شبهات مطروحه در این زمینه پاسخ داده و به تبیین بیشتر اصل ولایت فقیه بپردازم.

ادله اثبات ولایت فقیه بصورت مبسوط در بسیاری از آثار مربوط به نظریه ولایت مطرح شده است اما اکثر این پژوهش ها به مباحث کلامی و فقهی اثبات ولایت فقیه پرداخته اند و کمتر بصورت تلفیقی (ادله عقلی و نقلی) در این زمینه کار شده است.

مفهوم فقه

کلمه فقه در لغت به معنای فهم، آگاهی و دانایی است؛^۱ خواه مربوط به دین باشد و یا چیز دیگر. در لسان العرب معنای «فقه» فراتر از مطلق دانستن است و منظور از آن علم و دانستنی است که همراه با دقت نظر و استنباط باشد.^۲ فقه در اصطلاح؛ به معنای علم و آگاهی دقیق نسبت به علوم دین و احکام شرعی و توان استنباط آنی از طریق ادله تفضیلی (کتاب و سنت، عقول اجماع) است. «فقه» یکی از یکی از شاخه های علوم دینی؛ است و منظور از آن: «علم به احکام شرعی از طریق استنباط و اجماع».^۳

مفهوم ولایت

تعریف ولایت لغوی: «ولایت» معانی مختلفی دارد. ریشه لغوی آن واژه عربی است که ریشه لغوی آن «ولی» به معنای قرب، اتصال و پیوند دو یا چند شیء است. از پیوند عمیق دو شیء، ولایت پدید می آید.^۴ این واژه با هیئت های مختلف (به فتح و کسر) در معانی «حبّ و دوستی»، «نصرت و یاری»، «متابعت و پیروی»، و «سرپرستی» استعمال شده که وجه و مشترک همه ی این معانی قرب معنوی است.^۵ معنای اصطلاحی ولایت: «ولایت» عبارت است از: «تصدی امر و اراده حکومت».^۶

مفهوم ولایت فقیه

فقیه کسی است که در علوم اسلامی تخصص دارد و احکام شرعی را از ادله آن استنباط می کند. تعریف ولایت فقیه: اختیار و مسئولیتی که از طرف شرع مقدس اسلام به فقیه (مجتهد جامع الشرایط) اعطا شده است را «ولایت فقیه» می گویند. که شامل این امور می شود: «ولایت برفتوا، ولایت قضا، ولایت بر امور حسبه، ولایت بر اداره کشور» همه موارد فوق مورد اجماع و اتفاق نظر علما می باشد.

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغ، ج ۴، ص ۴۴۲

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۰۵

۳. میراحمدی زاده، رابطه ی فقه و حقوقی،

۴. اصفهانی، المفردات فی غرایب القرآن، ص ۵۳۳

۵. جوادى أملی، ولایت فقیه، ص ۱۲۲

۶. نوروزی، نظام سیاسی اسلام، ص ۱۸۷

هنگامی که واژه ی ولایت، درباره ی فقیه به کار می رود، به معنای زمامداری و سرپرستی است که خود دارای اقسامی است:

انواع ولایت

۱. ولایت تکوینی: ولایت سرپرستی، گاه ولایت تکوینی است. ولایت تکوینی، یعنی سرپرستی موجودات جهان و عالم خارج و تصرف عین در آن ها؛ مانند ولایت نفس بر قوای درونی خودش. نفس بر اعضا و جوارح ولایت دارد و تمامی اعضا از نفس فرمان می برند و بر اساس دستور او اقدام می کنند؛ البته در صورتی که اعضا سالم باشند. این نوع از ولایت، تنها بین علت و معلول تحقق می یابد و بر اساس آن، هر علتی، ولی و سرپرست معلول خویش است. و هر معلولی، مولی علیه و در تحت ولایت و تصرف علت خود است. بنابراین ولایت تکوینی، هیچ گاه تخلف پذیر نیست. و ولایت حقیقی و واقعی است. ولی حقیقی اشیاء و اشخاص که نفس انسان ها در ولایت داشتن مظهر اویند، فقط ذات خداوند است.^۱ «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ»^۲

۲. ولایت بر تشریع: این نوع ولایت، همان ولایت بر قانون گذاری و تشریع احکام دین است؛ یعنی اینکه کسی سرپرست جَعَلِ قانون و وضع کننده ی اصول و مواد قانونی باشد. این ولایت نسبت به وضع قانون تخلف پذیر نیست؛ یعنی با اراده ی قانونگذار قانون وضع می شود، لیکن در مقام امتثال قابل تخلف و عصیان است و بنا براین ممکن است مردم از قانون اطاعت کنند و ممکن است اطاعت نکنند؛ چون انسان آزار و مختار است. بنابراین این گونه ولایت از امور اعتباری است و ملاک اعتباری بودن، اختیاری بودن پذیرش آن است. این ولایت نیز حق اختصاصی خداوند است؛ چنانکه قرآن درباره فرموده: «إِنَّ الْحَكَمَ لِلَّهِ»^۳

۳. ولایت تشریعی (ولایت بر مردم): این نوع ولایت، یعنی نوعی سرپرستی و در موارد اندکی حق جعل قانون شرعی به پیامبر داده شده بود. که نه ولایت تکوینی است و نه ولایت بر تشریع و قانون، بلکه ولایتی در محدوده و چارچوب قانون الهی است که در لسان آیات و روایات و همچنین در عرف فقیهان در دو مورد به کار رفته است.

۱. هادی تهرانی، ولایت فقیه، ص ۶۷-۶۹

۲. شوری: ۹

۳. یوسف: ۶۷

۲. جهت رفع نیاز های اجتماعی و قضایی، شیعیان را به پیروی از فقیهان جامع شرایط مکلف می سازد. حاصل کلام این که گرچه سؤال در مورد منازعه در دین و میراث بوده ولی با توجه به إستشهاد امام به آیه شریفه «۶۰ سوره ی نساء» تعبیر «فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهٗ عَلَیْكُمْ حَاكِمًا» و ذیل حدیث استفاده می شود که امام صادق (علیه السلام) یک معیار کلی در مورد حل مشکلات شیعیان در زمانی که دسترسی به معصوم ندارد ارائه داده اند و آن این است که فقیه، مرجع حل مشکلات است هم در زمینه مسائل قضائی و هم در سایر مسائل. به عبارت دیگر جمله ی «فَارْضُوا بِهِ حُكْمًا» مربوط به قضاوت است ولی عبارت «فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهٗ...» تعلیل و مربوط به ولایت و حکومت است به بیان بزرگان، در فضای صدور این روایت کار حاکم دو چیز بوده: ۱- قضاوت ۲- حکم ولائی و اجرائی و امام در این مقبوله هر دو امر را برای فقیه قرار داده است.^۱

شرایط ولی فقیه در نظام اسلامی

امام خمینی (ره) ولایت را مانند امامت می داند، معتقد است که شرایط اعمال ولایت دو بخش است؛ بخشی از آن «حصولی» است و بخش مهم آن «تحصیلی» می باشد؛ مانند وضو برای نماز است که باید آن را به دست آورد؛ نه حصولی مثل استطاعت برای حج، که تحصیل آن واجب نیست؛ به تعبیر علمی، بسیاری از شرایط ولایت فقیه، «شرط واجب» هستند نه «شرط وجوب».^۲ فقیه جامع شرایط علاوه بر شرایط عمومی مثل عقل، ایمان و پاکزادی و... باید سه ویژگی داشته باشد:

۱.۱. اجتهاد مطلق: یکی از شرایط رهبری جامعه ی دینی در عصر غیبت، فقاهاست است مراد از آن، اجتهاد مطلق می باشد؛ یعنی بتواند همه ی مسائل را از منابع دینی استنباط کند. فهم درست و کامل رها ورد وحی، هنگامی صورت می گیرد که فقیه به همه ی ابعاد آن آگاه باشد و از این رو، اسلام شناس واقعی کسی است که علاوه بر اصول و مبانی دین، در همه ی ابواب فقه، اعم از عبادات، معاملات و سیاست مجتهد باشد.^۳ شرط لازم، فقاهاست است، نه افقهیت و اعلمیت. بنابراین، آن حضرت در پیامی به رئیس مجلس بازننگری قانون اساسی، حتی مرجعیت را هم برای رهبری لازم نمی دانند. **۲.۴. عدالت مطلق:** فقیه جامع شرایط، کسی است که علاوه بر کمال عقل نظری، در ناحیه ی

۱. جواد آملی، ولایت فقیه، ص ۳۹۰

۲. موسوی خمینی، صحیفه نور، ص ۱۰۷

۳. جاززی یزدی، حکمت و حکومت، ص ۱۷۷

۴. موسوی خمینی، صحیفه نور، ص ۱۳۹

عقل عملی هم به مقدار ممکن کامل باشد. فقیه باید مطیع تمایلات و هواهای نفسانی نباشد چنان که قرآن در مورد پیامبر می فرماید: «وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ»^۱ و گناهی از او سرزنزند؛ نه واجبی را ترک کند و نه حرامی را مرتکب شود. بی تردید در دست داشتن قدرت و نشستن در رأس هرم آن، اگر همراه با صلاحیت بالای اخلاقی نباشد، مفسد غیر قابل جبرانی را به بار می آورد. کسی که می خواهد نیروهای اجتماع را برای رسیدن به تعالی اخلاقی هماهنگ کند، باید خود دارای فضایل اخلاقی باشد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «الْعَدْلُ جُنَّةُ الدَّلِّ»؛ عدالت سپر نگهبان حکومت هاست.^۲ امام خمینی قدس سر شبهه انحصاری شدن قدرت و دیکتاتوری و استبداد را با شرط عدالت منتفی می داند و معتقد است عدالت رهبر هم به عنوان مکانیسمی درونی برای کنترل و هم جلوگیری از فساد قدرت و خود کامگی است.^۴

۳. قدرت مدیریت و رهبری: اجتهاد و عدالت و عدالت در مدیریت خرد و کلان، شرط لازم است؛

اما کافی نیست. بنابراین فقیه جامع شرایط باید دارای بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تسلط بر ساز و کارهای اجرایی، آگاهی از خواست ها و نیازمندی های عصر خویش، قدرت تصمیم گیری به موقع به ویژه در شرایط حساس و بحرانی ابتکار عمل در خروج از بن بست ها، شجاعت، از دست ندادن فرصت ها و در عین حال دوری از شتاب زدگی و هنر و استعداد مدیریت که زمینه ی استحقاق حاکمیت و حکومت او را فراهم می کند، باشد.^۵ که در روایات هم از آن به حسن الولاية تعبیر شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: امامت و زمامداری شایسته نیست، مگر برای کسی که سه ویژگی داشته باشد: تقوایی که او را از معاصی و گناهان باز دارد؛ حلمی که باعث کنترل غضش شود؛ و نیک حکومت راندن (حسن الولاية) بر زیر دستان به گونه ای که برای آنان همانند پدر مهربان باشد.^۶ امیرالمؤمنان، علی (علیه السلام) می فرماید: سزاوارترین مردم به

۱. نجم: ۵۳

۲. جواد ی آملی، ولایت فقیه، ص ۱۳۷

۳. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۶

۴. موسوی خمینی، صحیفه ی نور، ص ۱۱۳

۵. شاکرین، حکومت دینی، ص ۵۵-۵۷

۶. کلینی، الکافی، ص ۴۰۷

امر خلافت، تواناترین آنان به انجام آن و داناترین آنان به دستورات خداوند در امور مربوط به خلافت و حکومت است.^۱

در اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی های رهبر، چنین بیان شده است: صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛ عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخص که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد، مقدم است.

نتیجه گیری

کوتاه سخن آن که، بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) علت محدثه حکومت اسلامی و وجود حضرات معصومان (علیه السلام) تا شهادت امام عسگری (علیه السلام) علت مدقیه اسلام و حکومت اسلامی می باشد، در زمان غیبت امام (علیه السلام) این وظیفه خطیر به عهده فقیهان واجد شرایط، معول گردیده است بنابراین ولایت و حکومت فقیه، تنها راهی است که از تعطیلی احکام اسلامی جلوگیری می نماید. نتایج حاصله از این پژوهش به شرح ذیل است:

۱. وجود ولی فقیه به عنوان رهبری است که در زمینه های شکل گیری و فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی را در سراسر جهان ایجاد می کند.

۲. رهبری جامعه اسلامی تأثیر بسزایی در موفقیت نظام و حکومت اسلامی خواهد داشت.

۳. نقش و جایگاه ویژه رهبری در انتخاب و انتصاب کارگزاران نظام اسلامی همواره حائز اهمیت است.

۴. دین اسلام با توجه به احکام و دستورهای مختلفی که در ابعاد مختلف زندگی انسان دارد مبین آن است که باید کسی پاکسانی باشند که این دستورات را در جامعه عملی کنند در عصر غیبت این نقش برعهده ولی فقیه سپرده شده است.

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۷۳

منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه: ترجمه دشتی
۳. آمدی، عبدالواحد، غرور الحکم و درالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۳۸۱.
۴. انصاری، مرتضی، المکاسب، مبحث ولایت فقیه، قم: مؤسسه باقری، ۱۴۲۰ ق.
۵. اصفهانی، راغب، المفردات فی غرایب القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۶ ق.
۶. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، ج ۴، تحقیق محمد عبدالاسلام هارون، قم: مرکز نشر اعلام اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۱۰، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، باب ۱۴۰۸، ۱۸۲ ق.
۸. بابویه قمی، محمد (شیخ صدوق)، علل الشرائع، ج ۱، چاپ ۹، قم: مکتب الداوری، بی تا، باب ۱۸۲.
۹. همان، عیون اخبار الرضا (ع)، تصحیح سید مهدی حسین لاجوردی، ج ۲، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۰. همان، کمال الدین و تمام القعه، تصحیح علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، چاپ سوم، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، اسراء، چاپ چهارم، قم: ۱۳۸۳ ش.
۱۲. جوادی، محسن، امینی علیرضا، معارف اسلامی ۲، ناشر: دفتر نشر معارف، چاپ ۴۹، زمستان ۱۳۸۳.
۱۳. حائری، سید کاظم، اساس الحکومه الاسلامیه، ترجمه طارمی راد، حسین، تهران: کنگره، ۱۳۷۸.
۱۴. حائری یزدی، مهدی، حکمت و حکومت، شادی، ۱۹۹۵ م.
۱۵. حر عاملی، محمد حسین، وسایل الشیعه، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۱۶. رضی، محمد بن حسین، ترجمه دشتی، انتشارات مشرقین، چاپ سوم، قم: ۱۳۷۹ ق.
۱۷. سیوطی، جلال دین، الدر المنثور، ج ۲، دارالعرفه، ۱۳۵۶.
۱۸. شاکرین، حمیدرضا، محمدی علیرضا، ولایت فقیه و جمهوری اسلامی ایران، قم: ناشر، دفتر معارف، ۱۳۵۸.
۱۹. همان، حکومت دینی، نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف.
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، ضروره وجود الحکومه او ولایت الفقهاء فی عصر الغیبه، قم، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. صدر، سید حسن، تأسیس الشیعه العلوم الاسلام، منشورات اعلمی، تهران.

۲۲. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش.
۲۳. طبرسی، محمد، تاریخ طبری، ج ۱، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۲۴. علی بن الحسین، سید مرتضی، المقنع فی الغیبه، تحقیق السید محمد علی الحکیم، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۵ ق.
۲۵. عبدالعالی، علی، (محقق کرکی)، رسائل، ج ۱.
۲۶. عزیزی، حسین، غفار زاده، اندیشه اسلامی ۲، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.
۲۷. قاضی زاده، کاظم، اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی، نشر، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۷.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، تصحیح علی اکبر الغفاری، تهران: دارکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش ها و پاسخ ها: ولایت فقیه و خبرگان، قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، ج ۱-۴، ۱۳۸۱.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲، چاپ ۷، لبنان، بیروت، ۱۴۰۳ ه ق.
۳۱. موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، ج ۲، اسماعیلیان، قم.
۳۲. همان، ولایت فقیه، انتشارات مرکز تنظیم و نشر آثار امام رحمت الله.
۳۳. همان، صحیفه نور، ج ۱، مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۳۴. میراحمدی زاده، مصطفی، رابطه فقه و حقوق.
۳۵. نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
۳۶. نعمان، محمد، (شیخ مفید)، المقنعه، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹.
۳۷. هادوی تهرانی، مهدی، ولایت فقیه.